

مجمع عمومی

شورای حقوق بشر

نشست دهم

موضوع 2 اجندا

گزارش سالیانه کمشنر عالی حقوق بشر ملل متحد و گزارشات دفتر کمشنر عالی و سرمنشی عمومی

گزارش کمشنر عالی حقوق بشر

در مورد وضعیت

حقوق بشر در افغانستان و دستاورد های

کمک تخنیکي

در عرصه حقوق بشر

خلاصه

این گزارش که مطابق به تصمیم شماره 113/2 مورخ 27 نومبر 2006 شورای حقوق بشر ارائه شده، وضعیت فعلی حقوق بشر در افغانستان و نگرانی های موجود را شرح داده و حاوی پیشنهادات برای رسیدگی به آنها میباشد.

افغانستان یکی از فقیرترین کشور های جهان است. تصویب ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان در سال 2008 به مثابه ستراتیژی کاهش فقر بکار می رود که در آن حقوق بشر تا اندازه زیاد به مثابه یک پرسش حقوق سیاسی و مدنی تلقی شده و چالش های فعلی توجه وسیعتر به توسعه ابعاد اقتصادی و انکشافی حقوق بشر می باشد.

افزایش درگیری های مسلحانه در افغانستان تأثیر خاصی بر غیرنظامیان بخصوص آسیب پذیرترین افراد ساکن در مناطق متأثر از کشمکش داشته است. جنگ های شدید باعث افزایش تلفات غیرنظامی گردیده و فضا برای اقدامات بشردوستانه را محدود ساخته است. تبعیض دراز مدت علیه زنان و اقلیت ها خود دلیل آشکاری بر عدم دسترسی آنها به عدالت و دیگر خدمات اولیه می باشد. دستاورد های مهم اخیر زنان در عرصه عامه با خطر کاهش و محدود شدن روبرو است. حملات شدید آزادی بیان که دیدگاه های ساختار فعلی قدرت و معیار های مدنی و مذهبی را به چالش می کشاند، معمولاً زنان را در انزوا قرار داده و باعث شک و تردید بر توانایی دولت برای تأمین یک فضای دموکراتیک و آزاد که در آن حقوق بشر بصورت کامل رعایت شود، میگردد. این مسئله بخصوص در زمان انتخابات بسیار مهم است. با اینکه ابتکارات مهمی در جهت اصلاح سکتور قضایی و بهبود اداره عدالت در سال 2008 آغاز شده، اما سیستم قضایی تا هنوز ضعیف، فاسد و ناکار مانده و تعهدات بین المللی خود را گاهگاهی انجام نمی دهد. در ترکیب از خشونت های جنایی و نبود نهاد های قانون گذار در بخش های از کشور، یک فرهنگ مصنوعیت مسلط شده و دلیل آشکار برای ثبوت آن عدم پیگیری متخلفین و ناقضین همیشگی حقوق بشر است.

محتوا

- I. مقدمه
- II. فقر و حقوق بشر
- III. حفاظت غیر نظامیان
 - A. عناصر ضد دولتی
 - B. نیرو های امنیتی ملی و بین المللی
 - C. دسترسی های بشردوستانه
 - D. بازداشت های مرتبط به درگیری
- IV. تبعیض
 - A. خشونت علیه زنان و دسترسی به عدالت
 - B. تهدید علیه زنان در زندگی عامه
 - C. اقلیت ها
- V. معافیت از مجازات
 - A. عدالت انتقالی
 - B. معافیت از مجازات و سوء استفاده از قدرت
- VI. کمبودی در دموکراسی
 - A. آزادی بیان
 - B. انتخابات
- VII. ظرفیت نهاد ها
 - A. اجرای عدالت
 - B. نهاد های ملی حقوق بشر
- VIII. همکاری تخنیکی
- IX. جمع بندی
- X. پیشنهادات

I. مقدمه

1. این گزارش که مطابق به تصمیم شماره 113/2 مورخ 27 نومبر 2006 شورای حقوق بشر ارائه شده، در همکاری با هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) تهیه شده است. بر اساس آخرین گزارش کمشنر عالی، افغانستان تا هنوز در حد قابل ملاحظه از کمبودی حقوق رنج می برند که این خود چالش های مهمی را در برابر استفاده از حقوق بشر و دورنمای دراز مدت کشور برای صلح، ثبات، دموکراسی، توسعه و حاکمیت قانون ایجاد می نماید.
2. تخلفات جدی حقوق بشر هنوز بصورت جدی تلاش ها در جهت تغییر جامعه افغانی تهدید می کند. یک فرهنگ مصئونیت با ریشه عمیق در جامعه مسلط است؛ این مسئله در عدم اراده سیاسی برای پیشرفت پروسه عدالت انتقالی در جهت مشخص نمودن تخلفات گذشته و همچنان نبود حسابدگی در برابر تخلفات فعلی حقوق بشر به خوبی آشکار می باشد. توام با یک سیستم ضعیف، فاسد و ناکارایی عدلی و منابع وسیع برای میکانیزم های سنتی حل اختلافات که با نیازمندی های پروسه قانونی مطابقت ندارد، عدالت بصورت موثر برای اکثر مردم افغانستان قابل دسترسی نمی باشد.
3. در نومبر 2008، کمشنر عالی نگرانی خود را در مورد از سرگیری مجازات مرگ در افغانستان اظهار نمود و یاد آور شد که سیستم های قانونگذار و عدلی در کشور در برابر معیار های پذیرفته شده بین المللی که ضامن پروسه قانونی و محکمه عادلانه است، کوتاهی نمودند.
4. تشدید درگیری های نظامی در سال 2008، شمار تلفات غیرنظامی را بیشتر نموده و باعث فرسایش بیشتر فضای کمک های بشری گردید. هر چند اقدامات خاصی در جهت کاهش اثرات عملیات نظامی گرفته شد، اما توانایی محدود افغانها و دیگر مسئولین برای مشخص نمودن نیاز حفاظت غیرنظامیان در معرض خطر در مناطق جنگ زده، هنوز هم یک نگرانی عمده شمرده می شود. تنها جنگ بر افراد آسیب پذیر تأثیر عمده ندارد، بلکه وضعیت رو به زوال اعتماد مردم را به دولت کم نموده و مانع توانایی دولت در جهت برآورده ساختن تعهدات حقوق بشری مانند تأمین خدمات اولیه بشمول امنیت نیز شده است.
5. فضای سیاسی برای بیان مخالفت های سیاسی و دیگر دیدگاه ها هم در دوره گزارش دهی قید شده است. حملات جاری بر آزادی بیان و بخصوص بر مطبوعات و فعالیت های حقوق بشر به ذات خود به ساختار سوء استفاده از قدرت و مصئونیت غیر قابل تغییر ارتباط دارد. این ساختار با نزدیک شدن انتخابات که قرار است در سال 2009 برگزار شود، بیشتر باعث نگرانی می شود.

6. مشکلات دیرینه دیگر حقوق بشر در افغانستان نیز بصورت درست اداره نشده است. تبعیض دیرینه و عمیق علیه زنان و منزوی ساختن زنان و دختران، اقلیت های مختلف، فقر شدید و خصوصیات مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی که نابرابری ها را مورد هدف قرار نداده است، هنوز هم امتیازات مختلف حقوق بشر مانند صحت، غذا، آب و بهداشت، تعلیم، سرپناه و توانایی برای معیشت را با چالش روبرو می سازد.

7. تصویب ستراتیژی کاهش فقر افغانستان و ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان در کنفرانس بین المللی حمایت از افغانستان که در ماه جون 2008 در پاریس برگزار شد، تحرک جدیدی را بخصوص در میان تمویل کنندگان برای کمک به دولت و تلاش های آن در جهت مشخص نمودن بعضی از مشکلات دیگر کشور مانند فقر و منزوی نمودن را بوجود آورد، اما این تلاش ها فقط با توجه بیشتر به ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی حقوق بشر تقویت شده می تواند.

II. فقر و حقوق بشر

8. افغانستان با میزان 42 درصد فقر، یکی از فقیرترین کشور های جهان است. 20 درصد دیگر افغانها تقریباً زیر خط فقر زندگی می کند که این خود نشان دهنده میزان بالای آسیب پذیری می باشد.

9. ساختار بدیهی و آشکار فقر، حاکمیت ضعیف، تبعیض و منزوی ساختن، همه در سطح هشدار دهنده فقر که زندگی میلیون ها افغان را ناتوان و ضعیف می سازد، سهم دارند. گفته می شود 61 درصد جمعیت در برابر عدم مسئولیت غذائی آسیب پذیر اند. خشکسالی جدی باعث کاهش حاصلات شده و نرخ بالای مواد اولیه غذایی بدین معنی است که حق تغذیه و معیار های بالا برای دست یافتن به صحت بخصوص در میان خانواده های فقیر به شدت تحت فشار قرار دارد. توزیع ثروت در افغانستان نابرابر بوده و منابع مولد هم بیشتر در دست چند نفر محدود قرار دارد. سه دهه جنگ دسترسی گروه های آسیب پذیر را به زمین، معیشت یا حتی خدمات اجتماعی بسیار محدود نموده و فقط در استفاده افراد صاحب قدرت می باشد. بخاطر موفقیت در ابتکار کاهش فقر، بخصوص عواملی که بر تصمیم گیری و اختصاص منابع تأثیر می گذارد، ارزیابی حقوق بشر بسیار مهم و ضروری می باشد.

10. در سال 2008 تصویب سند ستراتیژی کاهش فقر در ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان یک گام مثبت بود که این خود وسیله خوبی برای تطبیق معیار های توافقنامه افغانستان می باشد. این سند در جون 2008 در جریان کنفرانس پاریس که طی آن تمویل کنندگان تعهد خود را برای کمک به افغانستان نشان دادند، پذیرفته شد. بخاطر موفقیت ستراتیژی کاهش فقر تمامی شرکا بشمول افراد فقیر باید در تطبیق، نظارت و ارزیابی آن سهم بگیرند. ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان بطور کلی

حقوق بشر را از نظر سیاسی و مدنی مطرح نموده و نتوانسته تعهدات دولت را تحت معاهدات مختلفی که تصویب نموده، مشخص نماید. حالا که مرحله طراحی تکمیل شده، باید تلاش نمود تا در مرحله تطبیق، حقوق بشر بخصوص در ارتباط به توسعه اجتماعی و اقتصادی بصورت درست در نظر گرفته شود. اکثر ستراتیژی های سکتوری چگونگی مشخص نمودن وضعیت گروه های آسیب پذیر را بصورت نادرست تعریف نموده اند. بیشتر از آن، تا زمانیکه بودجه ضروری برای ارایه خدمات اساسی به آسیب پذیر ترین سکتور های جامعه اختصاص داده نشود، افراد فقیر مستفید شده نمی توانند.

11. با توجه به اینکه نمایندگی های ملل متحد در حمایت از تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی سهم خواهند بود، باید به تصویب یک رویکرد متکی به حقوق بشر برای انکشاف ترغیب شوند تا با انعکاس حقوق به مثابه یک وسیله مناسب برای تشخیص نیاز های مردم، از تلاش های دولت در انجام این تعهدات حمایت نمایند. به مثابه یک بخشی از پروسه تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان، اکثر ولایات یک پلان انکشافی ولایت را برای تطبیق اهداف ستراتیژی انکشاف ملی تصویب نموده اند. به مثابه بخشی از آمادگی پروسه چهارچوب کمک انکشافی ملل متحد، دفتر کمشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، با حمایت یوناما و دارالانشای جهانی پلان 2 ملل متحد، یک پروژه آزمایشی را با تمرکز به ابعاد فقر در حقوق بشر و چگونگی تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی در ولایات بامیان و دایکندی آغاز نموده که این پروژه می تواند به مثابه یک ابزار برای تسهیل در عملی نمودن حقوق بشر استفاده شود. در میان تمام شرکای انکشاف ولایتی اشتراک کننده و فعالین بین المللی انکشافی یک علاقمندی از طریق یک رویکرد متکی به حقوق بشر و فعالیت های ظرفیت سازی ایجاد شده است. رویکرد متکی به حقوق بشر بخاطر تحقق انکشاف پایدار، اصلاح هماهنگی و موثریت کمک و بسیج مناسب منابع برای ولایاتی که برای ثبات نسبی شان کمتر مورد توجه بوده، یک با ارزش تلقی میگردد.

12. چنانچه در گزارش کمشنر عالی برای هفتمین نشست شورا (A/HRC/7/27) آمده، یکی از ابتکارات مهم برای پاسخ به تعهدات بیان شده در توافقنامه افغانستان، ایجاد یک واحد حقوق بشر در داخل وزارت عدلیه با حمایت دفتر کشمندی عالی حقوق بشر ملل متحد می باشد. خوشحالم یاد آور شوم که دولت با توجه به حقوق بشر ایجاد این واحد را به مثابه یک گام مهم در جهت انجام تعهدات اش تحت توافقنامه مشخص نموده است.

III. حفاظت غیر نظامیان

13. درگیری های نظامی در طول سال 2008 شدت یافت که در نتیجه شمار قربانیان غیرنظامی افزایش یافته و فضای بشری را هم به تحلیل برد. یوناما از 1 جنوری تا 31 نومبر 2008 در مجموع تلفات غیر نظامی 2,014 نفر را به ثبت رسانیده است. این رقم، نمایانگر 41 درصد افزایش در شمار

غیرنظامیان کشته شده در مقایسه با غیر نظامیان کشته شده در سال 2007 می باشد. این افزایش در سال 2008 از زمان سقوط طالبان بدینسو بالاترین سال کشتار غیر نظامیان می باشد. در ضمن غیر نظامیان متحمل جراحات، تخریب ملکیت، تلفات معیشتی، بیجا شدن و قطع دسترسی به معارف، مراقبت صحی و دیگر خدمات اولیه شدند.

14. از جمله 2.014 تلفات غیر نظامی، 1.106 (55 درصد) آن به شورشیان، 795 (39 درصد) به نیرو های طرفدار دولت و 113 (6 درصد) باقیمانده به هر دو طرف درگیر نسبت داده شده است. به گونه مثال بعضی از افراد غیر نظامی در نتیجه تبادل آتش و یا هم در اثر مواد منفجره از بین رفته اند. اکثر تلفات غیر نظامی در جنوب کشور رخ داده اما از مناطق جنوب شرقی، شرق، مرکزی و غرب کشور نیز تلفات زیادی گزارش شده است.

A. عناصر مخالف حکومت

15. یک قسمت زیادی از افزایش عمومی در تلفات ملکی ناشی از حملات شورشیان میباشد. در حالیکه به نظر میرسد اکثر حملات انتحاری علیه اهداف نظامی یا حکومتی صورت میگیرد، حملات مکرراً در ساحات مزدهم ملکی با یک بی توجهی آشکار نسبت به مصئونیت افراد غیر نظامی صورت میگیرند. در طول سال 2008، شورشیان تمایل بیشتر نسبت به وارد نمودن آسیب به افراد ملکی از طریق چنین حملات نشان داده اند.

16. تکنیک های عناصر مخالف حکومت نیز مستقیماً شامل هدف قرار دادن افراد ملکی است. در جریان سال تهدیدات، ارباب و خشونت در برابر افرادی که به نظر میرسد با حکومت یا جامعه جهانی ارتباط دارند تشدید یافته است.

17. قربانیان این تکنیک ها شامل داکتران، معلمان، شاگردان، بزرگان قومی، کارمندان ملکی حکومت، پرسونل سابقه پولیس و اردو و کارکنانی است که در کار های ساختمانی عام المنفعه مشغول میباشد. در موارد متعدد، زنان بخصوص آنهاییکه در ادارات عامه کار مینمایند هدف این حملات قرار گرفته اند. شواهد اساسی وجود دارد که تکنیک های که از سوی شورشیان بکار برده میشود به مقصد کمپاین سیستماتیک خشونت و ارباب صورت میگیرد. الی ماه اکتوبر سال 2008، به تعداد 227 قتل از سوی شورشیان گزارش داده شده که بسیاری از آنها اعدام در مظهر عام بود. بطور مثال، در ماه اکتوبر سال 2008، به تعداد 27 تن از مسافری غیر مسلح به اتهام ارتباط با نیروهای امنیتی ملی در یک حمله بالای یک بس در کندهار از سوی شورشیان اعدام گردیدند.

18. همچنان تعداد بلند و روبه افزایش اختطاف های گزارش شده و تهدیدات در برابر افرادی که با حکومت یا جامعه جهانی ارتباط دارند وجود دارد. به نظر میرسد که چنین حوادث در ساحاتی چون شمال که

قبلاً نسبتاً آرام بودند نیز در حال گسترش است. گزارشاتی مبنی بر تهدید علیه پرسونل و بسته کردن اجباری مراکز و خدمات در سکتور صحت و معارف که صدها هزار مردم ملکی، بخصوص زنان و اطفال را متاثر میسازد وجود داشته است. کمپاین ارباب مردم ملکی را به غیر از آنهائیکه مشخصاً مورد هدف قرار میگیرند شدیداً متاثر میسازد و ترس و ناامنی را بطور گسترده بمیان میآورد.

B. نیروهای امنیتی ملی و بین المللی

19. تلفات ملکی که به حکومت افغانستان و نیروهای امنیتی بین المللی نسبت داده میشوند تقریباً 33 درصد بالاتر از 559 نفر که در سال 2007 در همین وقت گزارش داده شده بود میباشد. این افزایش علی الرغم تدابیر مختلفی که جهت کاهش تاثیر جنگ بالای افراد ملکی، بشمول تحقیقات مستقل داخلی و خارجی، بررسی های بعد از عملیات و ایجاد میکانیزم ها بمنظور بررسی شیوه ها و کاهش تاثیر جنگ بالای افراد ملکی اتخاذ گردیده بود صورت گرفت. حملات هوایی که از سوی نیروهای طرفدار حکومت بکار برده میشود بعنوان مرگبارترین تکنیک باقی است. یک نیاز عاجل برای بهبود طرز العمل های عمومی حساسدهی و پاسخ نیروهای طرفدار حکومت به حوادث تلفات ملکی وجود دارد.

20. حملات هوایی یک تهدید خاصی را برای افراد ملکی که نمیتوانند منازل و قریه جات شانرا هنگام درگیری ترک نمایند وارد مینماید. درچندین رویداد مهم که حملات هوایی به حمایت از عملیات محاروبی از سوی نیروهای ملی و بین المللی صورت گرفته منجر به کشته شدن تعداد زیادی از افراد ملکی بشمول تعداد بیشمار زنان و اطفال گردیده است. یکی از همچو حملات هوایی در ولسوالی شیندند ولایت هرات در ماه اگست سال 2008 است که قرار گزارش منجر به تلف شدن 92 فرد ملکی، بشمول 62 طفل گردید. در ماه جولای 2008، حمله هوایی بالای یک محفل عروسی منجر به کشته شدن 47 تن، بشمول 30 طفل که اکثریت آنان دختر بودند گردید. در ماه نوامبر 2008، یک حمله هوایی در شاه ولی کوت ولایت کندهار حدود 35 فرد ملکی را کشته و 37 تن دیگر را مجروح ساخت.

21. روش ها در مورد عملیات جستجو و دستگیری، بشمول حملات شب هنگام تا حدی بمنظور رسیده گی به نگرانی هائیکه مکرراً اظهار گردیده عیار گردیده است. با آنهم مسایل جدی، بخصوص در مورد یک تعداد از عملیات مشترک نیروهای افغان و بین المللی که در آن از قوت بیش از حد کار گرفته میشود و شامل بدرفتاری شدید که در بعضی موارد منجر به مرگ افراد ملکی میگردد تاهنوز باقی است.

C. دسترسی بشری

22. با تشدید درگیری ها فضای بشری بطور قابل ملاحظه ای محدود گردیده است. بخش های وسیع جنوب، شرق و مناطق مرکزی افغانستان در میان حلقات نظامی بعنوان "محیط نهایت پرخاطر" یا "محیط پر خصومت" تعریف میشوند. سازمانهای کمک رسانی و کارکنان آنان مورد هدف حملات مستقیم روبه افزایش، تهدید و ارعاب قرار گرفته اند.

23. الی ماه اکتوبر 2008، به تعداد 130 کارمند بشری (124 کارمند داخلی و 6 کارمند خارجی) اختطاف و مجموعاً به تعداد 38 کارمند بشری به قتل رسیدند. بعضی از حوادثی که بیشتر به آگهی عامه رسانیده شد شامل یک کمین بالای موتر کمیته نجات بین المللی در ولایت لوگر در سال 2008 بود که از اثر آن سه کارمند خارجی اناث و راننده آن موسسه بشری به قتل رسیدند و مسئولیت آنرا طالبان بعهدہ گرفتند. در ماه سپتمبر 2008، یک حمله انتحاری بالای یک کاروان وسایط ملل متحد در سپین بولدک صورت گرفت که از اثر آن دو نفر داکتر که برای سازمان صحتی جهان در کمپاین محو پولیو کار مینمودند و همچنان یک راننده یوناما به قتل رسیدند.

24. شورشیان شرکت های ترانسپورتی و کارگران ساختمانی را نیز مورد هدف قرار دادند. نظر به گفته اداره هماهنگی کمکهای بشری برای افغانستان (اکبر) که یک چتر گروهی سازمانهای غیرحکومتی است، وضعیت "بسیاری از نهاد های کمک رسانی را مجبور ساخته است تا میزان و ساحه انکشاف و عملیات بشری شانرا محدود سازند". این بطور موثر بدین معنی است که زنان و اطفال و همچنان مردم آسیب پذیر، بخصوص دختران که نیازمند کمک اند از حق شان برای دریافت کمک های بشری حفظ حیات و خدمات اساسی اجتماعی منجمله صحت، تعلیم و تربیه استفاده کرده نتوانند.

D. بازداشت های مربوط به درگیری

25. وضعیت اشخاصیکه در ارتباط به درگیری دستگیر و توقیف میگرددند، بخصوص از لحاظ عدم اطمینان حقوقی در مورد اساس برای تداوم حبس آنان تا هنوز هم مایه نگرانی بوده. توقیف اشخاص توسط نیروهای نظامی بین المللی در جریان عملیات شان مطابق به مقررات ذیل صورت میگردد: آنها میتوانند زندانیان را صرف برای مدت 96 ساعت نگهدارند، کمیته بین المللی صلیب سرخ باید مطلع ساخته شود، بعد از 96 ساعت، زندانیان یا آزاد شوند و یا به مقامات افغان، معمولاً به ریاست امنیت ملی انتقال داده شوند. بعضی از کشورها با حکومت تفاهم نامه هائی را که انتقال همچو زندانیان را تنظیم مینماید به امضا رسانیده اند و تضمینات دیپلماتیک در مورد برخورد با ایشان، بشمول اینکه هیچ فرد انتقال یافته محکوم به اشد مجازات نمیکردد را حاصل نموده اند. تفاهم نامه ها یکسان نبوده، اما برای نماینده گی سیاسی آنکشور، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و کمیته بین المللی صلیب سرخ زمینه را مساعد میسازد تا به زندانیان انتقال یافته دسترسی پیدا نمایند. باوجود آن معلومات اندک در مورد وضعیت و برخورد با چنین زندانیان وجود دارد. ریاست امنیت

ملی بدون چارچوب کاری عامه حقوقی به اجراءات خویش ادامه داده و بطور آشکار به تعریف قدرت تحقیق، دستگیری و توقیف و مقرراتی که در مراکز توقیف مرعی الاجرا است میپردازد. یوناما از افرادی که قبلاً از سوی ریاست امنیت ملی توقیف و مورد شکنجه قرار گرفتند شکایت بدست آورده است. برخورد ریاست امنیت ملی با زندانیان، بشمول آنهایی که از ساحه کنترل نیروهای نظامی بین المللی انتقال یافته اند سوالاتی را در مورد مسئولیت کشورهای کمک کننده نظامی مطابق به اصول بشردوستانه بین المللی و قانون حقوق بشر ببار میآورد.

26. افرادی که از اثر عملیات آزادی پایدار بازداشت میگردند در زندان پایگاه هوایی بگرام که به هدایات وزارت دفاع ایالات متحده امریکا رهبری میشود نگهداری میگردند. زندانیان حق مشورت حقوقی را قبل از محاکمه قانونی شان نداشته و سرنوشت آنان بعنوان جنگجو از سوی بورد بررسی افراد جنگجو دشمن تعیین میگردد. در صورتیکه بعنوان "فرد جنگجو دشمن" شناخته میشوند، زندانیان صرف از طریق برنامه آشتی ملی آزاد شده، به وزارت دفاع جهت تعقیب عدلی توسط حکومت افغانستان انتقال داده میشوند. اتباع کشورهای سوم به زندان گوانتانامو تحت کنترل نیروی بحری امریکا انتقال داده میشوند. قرار گزارش بعضی از افراد الی مدت پنج سال در زندان بگرام بسر برده و بعضی از آنها مورد شکنجه نیز قرار گرفته اند. نظر به گفته زندانیان سابق بگرام، در حدود 630 زندانی در آنجا نگهداری میشوند. کمیته بین المللی صلیب سرخ به آنجا دسترسی داشته، اما یوناما به آنجا دسترسی ندارد. در پایان سال 2008، مقامات بگرام موافقه نمودند تا حق بازدید را برای اقارب عده ای از زندانیان بدهند.

IV. تبعیض

27. حقوق مساوی برای زنان و مردان در قانون اساسی افغانستان تصریح یافته که حکومت را مکلف میسازد تا قوانین و معیارهای بین المللی بشری، بشمول مکلفیت های آن تحت کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان را که در سال 2003 توشیح گردید مورد احترام قرار دهد.

28. پلان عمل ملی برای زنان افغانستان در ماه می سال 2008 اتخاذ گردید. تطبیق آن برای تحقق تساوی جنسیت در چارچوب توافقنامه سال 2006 افغانستان بعنوان یک معیار مهم تلقی میگردد. استراتژی انکشاف ملی افغانستان جنسیت را بعنوان یک موضوع چند بعدی شناخته و سعی مینماید تا "تساوی بیشتر جنسیت را از طریق محو تبعیض ایجاد نماید". کاهش آسیب پذیری زنان در برابر خشونت خانواده گی و حیات اجتماعی و دسترسی بهتر به سیستم عدلی حساس در برابر جنسیت از جمله اهداف کلیدی استراتژی انکشاف ملی افغانستان میباشد.

خشونت علیه زنان و دسترسی به عدالت

29. حکومت علی رغم ضمانت های تصریح یافته در قانون اساسی و مکلفیت های بین المللی اش نتوانسته است حقوق زنان را بطور درست مورد محافظت قرار دهد. باوجودیکه زنان پیشرفت های مهمی در عرصه معارف، اشتغال و مشارکت سیاسی در طی سالهای بعد از رژیم طالبان داشته اند، آنها پیوسته به قوانین، برخوردها و روش های تبعیض آمیز مواجه اند. یکی از موارد خاص نگرانی عبارت از تاریخچه طولانی خشونت علیه زنان و دختران است که بالای زندگی شخصی و اجتماعی آنان تاثیر میگذارد. این خشونت گسترده بوده و عمیقاً در ارزش های دینی و سنتی جامعه افغانی ریشه داشته که موقف درجه دوم زنان را در نتیجه تبعیض سیستماتیک نهادینه میسازد. این خشونت در بین خانواده و اجتماع، در بین حلقات سنتی و رهبری مذهبی و همچنان نظام رسمی و غیررسمی عدلی مورد تحمل یا چشم پوشی قرار میگیرد. مشقت زنان با بی قانونی روبه افزایش که قسماً به فضای فراگیر معافیت نسبت داده شده میتواند تشدید یافته است.

30. خشونت علیه زنان و اطفال و روش های سنتی زیان بار در اشکال مختلف چون تجاوز جنسی، "قتل های ناموسی"، ازدواج قبل از وقت و اجباری، بردگی جنسی (بخصوص زمانیکه دختران بمنظور فرونشاندن تنش های خانواده گی به بد داده میشوند)، سوء استفاده جنسی در زندان، و همچنان انانث قربانی خشونت از سوی نظام عدلی خود را آشکار میسازد. بسیاری از خشونت ها در بین خانواده صورت میگیرد، باوجود آنهم معامله گران محلی قدرت، نظام عدلی رسمی و سنتی، پولیس و مسئولین محاسب نیز به نوبه خویش نقشی را در راستای تحمیل کنترول جامعه بالای زنان و چشم پوشی از همچو خشونت ها ایفا مینمایند.

31. تجاوز جنسی علیه زنان و اطفال بنابر گزارشات در این زمینه پنهان نگهداشته اما وسعت آن بطور گسترده باقی است. اکثریت مرتکبین بدون مجازات رها میگردند. باوجود آنهم، علایم تمایل روبه افزایش از سوی قربانیان جهت گزارش موارد تجاوز جنسی و تحقیق و مورد پیگرد قانونی بعضی از این قضایا از سوی مقامات وجود دارد. یک تعداد از قضایای برجسته در جریان سال 2008 مشکل تجاوز جنسی را یکبار دیگر به توجه عامه رسانید که این امر میتواند در برطرف نمودن داغ ننگ اجتماعی مربوط به تجاوز جنسی و مشکلاتی که قربانیان آن مواجه میگردند کمک نماید. در ماه آگست سال 2008، رئیس جمهور خواهان "شدیدترین مجازات برای تجاوز کننده گان گردید". این کار بعد از عصبانیت شدید و تقاضای مردم برای عدالت برای یک دختر 12 ساله که در ولایت سرپل مورد تجاوز جنسی قرار گرفت صورت گرفت. در همین خصوص، تحقیقات رسمی منجر به سبکدوش شدن چندین کارمند از پست شان گردید. تقریباً در عین زمان، معلوم گردید دو مردیکه در سال 2005 از سوی ستره محکمه به تجاوز جنسی دسته جمعی بالای یک زن در ولایت سمنگان محکوم شده بودند در ماه اپریل 2008 مطابق به عفو رئیس جمهور رها گردیدند. یوناما نگرانی

عمیق خویش را در مورد اینکه همچو مورد عفو پیام منفی را نسبت به اینکه مرتکبین جنایات خشونت آمیز علیه زنان مورد بازپرس قرار نخواهند گرفت میرساند ابراز نمود.

32. قربانیان طبقه اناث خشونت پیوسته به عدم دسترسی کافی به عدالت و میکانیزم های موثر دادرسی مواجه اند. صرف زنانیکه با یکی از اقارب ذکور شان همراه باشند به سیستم عدلی عرفی دسترسی یا مراجعه کرده میتوانند. سیستم های رسمی تنفیذ قانون و عدلی تاهنوز هم به کمبود مسئولین مسلکی طبقه اناث در بخش پولیس، محاکم و مسلک حقوقی مواجه اند. خدماتی چون کمک حقوقی، مشورت و سرپناه اکثراً ناکافی اند. زنان و دختران بنابر عملکردهاییکه در قانون افغانستان جرم پنداشته میشوند پیوسته مورد پیگیری قانونی و توقیف قرار میگیرند. بنأ، قربانیان تجاوز جنسی خود را به جرم ارتکاب زنا (روابط جنسی خارج از ازدواج به رضایت جانبین) مجرم یافته و قربانیان ازدواج اجباری اکثراً به جرم "فرار از منزل" مورد پیگیری قانونی قرار میگیرند. عدم موفقیت در ایجاد و تطبیق قانون و پالیسی های مناسب جهت محافظت قربانیان منجر به دوباره قربانی شدن سیستماتیک در سیستم عدلی میگردد. زمانیکه بعضی از اطفال و زنان بداخل توقیف خانه بخاطر محافظت شان برده میشوند، هویدا است که هیچ طرز العملی برای رسیده گی به این قضایا و حصول اطمینان از اینکه از سلب آزادی بعنوان آخرین چاره کار گرفته شده است وجود ندارد. فساد اداری چون نفوذ معامله گران محلی قدرت یا پرداخت رشوه از سوی مرتکبین جهت گریز از پیگرد قانونی بعنوان یک مانع دیگر جهت دستیابی به عدالت تذکر یافته است. اگر قرار باشد که چارچوب کاری قانونی برای محافظت از حقوق زنان تحکیم بیابد، اصلاح سیستم عدلی جنائی یک امر حیاتی است.

A. تهدیدات در حیات اجتماعی زنان

33. تهدیدات و ارعاب علیه زنان در حیات اجتماعی یا کار خارج از خانه افزایش قابل ملاحظه ای نموده است. اکثر فرصت های کاری برای زنان در حکومت و سازمانهای بین المللی پیدا میشود که بطور فزاینده ای از سوی عناصر مخالف حکومت و تاحدی از سوی خانواده ها، جوامع و همکاران ذکور آنان مورد هدف قرار میگیرند. نماینده گان ریاست های امور زنان، اعضای شورای ملی، سنا و شوراهای ولایتی، حقوق دانان و خبرنگاران و زنانیکه در سازمانهای غیردولتی داخلی و خارجی کار مینمایند همه از اذیت، بشمول تهدید به مرگ از طریق مکاتیب و تیلیفون گزارش داده اند. درحالیکه به نظر میرسد عناصر مختلف مسلح مخالف مسئولیت عمده همچو حملات را بعهدده دارند، اما همیشه واضح نیست که آیا زنان مشخصاً هدف همچو حملات قرار میگیرند یا اینکه این حملات بخشی از کمپاین عمومی ارعاب علیه آنهاست که برای حکومت و جامعه جهانی کار مینمایند و یا طرفدار حقوق زنان اند میباشد. بسیاری از زنان در حیات اجتماعی و ادار گردیدند تا فعالیت های شانرا محدود یا وظایف شانرا ترک گویند، چونکه اعتماد کافی نداشتند که آیا مقامات توان یا تمایل فراهم نمودن محافظت ایشانرا دارند یاخیر. قتل یک افسر سرشناس پولیس زن در ولایت کندهار در

ماه سپتمبر 2008، فزونی بودن خطراتی را که زنان در حیات اجتماعی به آن مواجه اند برجسته میسازد.

B. گروه های اقلیتی

34. قانون اساسی افغانستان تصریح میدارد که در برابر هیچ فرد یا گروه از تبعیض براساس جنسیت، قوم، قبیله، منطقه یا زبان کار گرفته نشود. افغانستان بر علاوه سایر اقلیت های بیشمار که دارای تفاوت های قبیله‌ای، زبانی و فرهنگی و همچنان اقلیت های مذهبی هندو و سک اند، دارای چهار گروه عمده قومی چون پشتون، هزاره (اقلیت اهل تشیع)، تاجک و ازبک میباشد.

35. کوچی ها که نفوس آنها بیش از پنج ملیون نفر از سوی اداره مستقل امور کوچیان تخمین گردیده از جمله اقلیت های اجتماعی اند که به تبعیض دوامدار مواجه بوده اند. آنان به شکل عنعنوی در زیر خیمه ها زنده گی دارند، اگرچه اکنون یک تعداد زیاد آنان زنده گی نیمه کوچی را اختیار نموده یا در بین اجتماعات مسکن گزین شده اند. بعضی از چالش های عمده ای که کوچیان به آن مواجه اند عبارت از دسترسی به زمین های علفچر و خدمات اساسی چون مراقبت های صحی، معارف و اشتغال میباشد. همچنان فهمیده شد که در بعضی ولایات برای آنان کارت های شناسایی از سوی مقامات داده نشده است.

36. ماده (14) قانون اساسی حقوق کوچیان را تضمین نموده و حکومت را مکلف میسازد تا برنامه های موثر را جهت "بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی" کوچیان تطبیق و تدابیری را جهت "فراهم ساختن اسکان و توزیع زمین برای اتباع مستحق کشور" رویدست گیرد. باوجود آنهم، اداره مستقل امور کوچیان تخمین مینماید که صرف 30 درصد کوچیان کارت های شناسایی بدست آورده و بعنوان اتباع کشور ثبت گردیده اند. به تعداد 10 کرسی (7 کرسی برای مردان و 3 کرسی برای زنان) برای کوچیان در شورای ملی اختصاص داده شده است و (از اینکه آنها از لحاظ قومی پشتون هستند، بنا دیده میشود که یک گروه قومی نسبت به داشتن فیصدی بلند کرسی نفع میبرد). بدون داشتن تابعیت، اکثریت قادر به ثبت نام جهت رای دهی نمیشاند. اقدام سوم این بود که فرمان سال 2007 ریاست جمهوری به کوچیان حق داد تا 10 درصد اسکان شهری را بدست آورند و همچنان برای کوچیان ساکن زمین اختصاص یابد. پروسه تطبیق بطی و پارچه پارچه این پالیسی اشاره به خلا میان تضمینات قانونی و اجرای آن مینماید.

37. اخلال در شیوه زندگی کوچی بالاثر جنگ و خشکسالی و همچنان عدم موجودیت پالیسی حکومتی در مورد حق تصرف زمین و علفچر کوچیان را به منازعه با مردم ساکن روی دسترسی به زمین و منابع کشانیده است. حکومت نتوانسته است که منازعه طولانی روی دسترسی به زمین های علفچر در بخش های از مناطق مرکزی میان کوچیان و مردم ساکن هزاره را حل و فصل نماید. سال جاری

نیز شاهد برخورد های خشونت آمیز میان دو گروه در ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک بود که به گفته یک هیئت مشترک متشکل از کمیشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین و یوناما منجر به کشته شدن حداقل 23 تن، بیجا شدن بیش از 6000 خانواده و تخریب ملکیت که برای نخستین بار شامل مساجد نیز بود گردید. این ارقام شامل قربانیان در بین کوچیان نمیباشد.

IV. معافیت

A. عدالت انتقالی

38. تاسیس مجدد حاکمیت قانون و ختم معافیت برای جنایات گذشته جهت مبارزه علیه فرهنگ عمیق معافیت که به نوبه خود برای تامین صلح عادلانه و پایدار ضروری است از جمله مسایل عمده ای است که تاهنوز پابرجا باقی مانده اند. افرادی که مظنون به ارتکاب تخطی های بزرگ حقوق بشر اند تاهنوز هم مورد محاکمه قرار نگرفته و یک تعداد زیاد آنان در پست های بلند دولتی هم در سطح مرکز و هم سطح محل باقی مانده و تعیین میگردند. این نه تنها تخطی از مکفیت های بین المللی افغانستان در امر مبارزه علیه معافیت در برابر جنایات بزرگ بین المللی است، بلکه اعتماد مردم نسبت به حکومت و شرکای بین المللی آن را نیز تضعیف، مشروعیت ادارات عامه، بخصوص مراجع قضائی و تنفیذ قانون را متزلزل و معافیت موجود در برابر تخطی های حقوق بشر را تقویت مینماید.

39. پلان عمل برای صلح، مصالحه و عدالت که در سال 2005 اتخاذ گردید نمایندگی از یک چارچوب کاری جامع برای رسیده گی به گذشته و ایجاد جامعه مبتنی بر حاکمیت قانون مینمود. چارچوب زمانی آن نشان میداد که این پلان الی سال 2008 به اهداف اش نایل خواهد آمد. پلان عمل بنابر عدم حمایت و تمایل کافی سیاسی از سوی حکومت و جامعه جهانی جهت رسیده گی به حسابدهی بعنوان اولویت محوری پروژه جهت تغییر شکل دادن افغانستان مورد تطبیق قرار نگرفته است.

40. نگرانی های جدیدی در ارتباط به تصویب منشور مصالحه ملی از سوی پارلمان در سال 2007 که از همه احزاب، بشمول مخالفین مسلح خواست تا جهت مصالحه ملی تلاش نمایند تاهنوز هم وجود دارد. این منشور معافیت از پیگرد قانونی را به همه آنهایی که این ابتکار را مورد تصویب قرار دادند فراهم نمود. این حرکت اهداف پروسه عدالت انتقالی را در مورد حق قربانیان نسبت به حقیقت یابی و جبران رابه تحلیل برد و همچنان مرتکبین را از حسابدهی و مجازات لازم محافظت نمود.

41. نگرانی بیشتری که وجود دارد اینست که صدای جامعه مدنی افغانستان و سازمانهای حقوق بشر در مورد آینده عدالت انتقالی در کشور از طریق تهدید و اذیت خاموش نگهداشته شده است.

42. دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل برای حقوق بشر، با یوناما و شرکای افغانی شان پیرامون مسائل عدالت انتقالی کار نموده اند. یک کمپاین وسیع برای آگاهی عامه و یک پروژه نتاثر برای نمایش وضع ناگوار قربانیان در ولایات مختلف طی سال 2008 با همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر اجراء گردید. یوناما ویدیویی را براساس تولیدات نتاثری تهیه نمود که به مناسبت روز های حقوق بشر و روز یادبود در افغانستان پخش گردید.

43. تدابیر لازم جهت رشد تخصص داخلی در عرصه طب عدلی و نگهداری و تحقیق از گور های دسته جمعی اتخاذ گردیده است. در اوایل دسمبر سال 2008 بقایای اجساد مرحوم رئیس جمهور محمد داود خان، و 16 تن از افراد خانواده وی رسماً طبق اظهارات وزیر صحت عامه تشخیص هویت گردیدند. نگرانی هایی در رابطه با دستکاری ها در گور های دسته جمعی واقع در دشت لیلی از طریق از بین بردن شواهد ذیربط وجود دارد. همه گونه تدابیر لازم غرض تحقق مصونیت محل گور های دسته جمعی باید بدون تاخیر روی دست گرفته شود زیرا پرده برداری از حقایق و واقعیت های گذشته طبق معیار های بین المللی، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

ب. معافیت از مجازات و سوء استفاده از قدرت

44. عدم تعقیب عدلی مرتکبین جنایات در گذشته، و ادامه سوء استفاده ها، مشروعیت نهاد های عدلی و قضائی افغانستان را به شدت لطمه زده و باعث سلب تدریجی اعتماد مردم به حاکمیت قانون گشته است. و نهایتاً این وضعیت راه را برای به وجود آمدن وضع موجود هموار کرده است که در آن معافیت از مجازات در حال گسترش است.

45. یوناما همچنان شکایات مربوط به کوتاهی نیروهای پولیس در تعقیب و تحقیق جرائم، و اقدام بیطرفانه شان را در مسائل مربوط به اتهامات حقوق بشری دریافت می دارد. همچنین قضات و خائروالان نیز در اکثر موارد از رسیدگی به قضایایی که در آن ممکن است با عادات و رسوم محلی و یا منافع بعضی از مقامات محلی طرف واقع شوند، خودداری می نمایند. برخی از افسار جامعه مانند دختران، زنان و فقراء در اغلب موارد به دلیل اهمیت قابل نشدن مقامات قضائی به دعوای ایشان، و طرفداری سیستماتیک شان از صاحبان قدرت، از مزایای عدالت رسمی محروم می گردند. بدین ترتیب، به مقتضیات اصل برائت ذمه، و محاکمه عادلانه غالباً بی اعتنایی صورت می گیرد.

46. فساد گسترده و نهادینه شده همراه با ضعف نظارت داخلی و مکانیزم موجود مجازات، قوه قضائیه را از اجرای وظایف آن به شکل مستقلانه و موثر باز می دارد. کمبود افراد درست آموزش دیده، و کمبود منابع مادی بر محدودیت ظرفیت موجود در راستای پیشبرد وظایف می افزاید.

عواملی از قبیل نهاد هایی که قانون را رعایت نمی کنند، به ویژه در مناطق دهاتی و جنگ زده، نفوذ نامیمون جنگسالاران، قوماندانان محلی، سایر زورمندان محلی، و ناکامی در ایجاد فضای کار امن برای محاکم، قربانیان، و شهود، استقلال، و غیر جانبداری مقامات قضائی را همچنان زیر سوال می برند.

47. مکانیزم های سنتی حل اختلافات (چون جرگه و شوری) هر چند در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده اند، اما مردم به خصوص در مناطق روستایی به پیمانانه وسیعی به این مکانیزم ها روی می آورند، این واقعیت تا حدودی ناشی از محدودیت در دسترسی، و عدم اعتماد به نهاد های رسمی عدلی و قضائی است. هر چند عناصر مطلوبی از قبیل انسجام اجتماعی و دسترسی به عدالت عرفی وجود دارد؛ اما در رابطه با طی مراحل مقتضی قانونی در همچو مکانیزم ها به ویژه در قبال زنان، کودکان و گروه های آسیب پذیر، نگرانی های عمیقی وجود دارد.

48. با آنهم بعضی پیشرفت های مثبت به ملاحظه می رسد که از آنجمله می توان به تسوید طرح محو خشونت علیه زنان اشاره نمود که وزارت امور زنان و موسسات جامعه مدنی در آن دخیل بوده اند. اقدام اخیر وزارت عدلیه مبنی بر ایجاد سیستم ارائه مساعدتهای قضائی که از سوی دولت تمویل گردد، و همچنین ایجاد انجمن وکلای مدافع را می توان گام های مثبتی رو به جلو تلقی نمود. این تدابیر باید حفاظت از حقوق متهمین و تهیه خدمات وکالت قانونی برای اشخاص آسیب پذیر را تقویت نماید.

49. برخورد با پدیده معافیت از مجازات و تقویت بیشتر حاکمیت قانون یکی از اولویت های افغانستان است. و به مکانیزم هایی مانند هیات مشورتی برای تعیینات که در پلان کاری صلح، عدالت و مصالحه پیش بینی شده است، نیاز می باشد تا از تصدی پست های ارشد دولتی توسط کسانی که جرائم بزرگی را مرتکب شده اند، جلوگیری به عمل آید. انتخابات آینده نیز شانس خوبی برای افغان ها است تا در آن گام های بیشتری برای جلوگیری از ورود افرادی که جرائم سنگینی را تحت قوانین ملی و بین المللی مرتکب شده اند در رقابت های انتخاباتی برای احراز کرسی های پارلمان، بردارند.

IV. کمبودی در دیموکراسی

الف. آزادی بیان

50. طی سال 2008 توانایی فعالان رسانه ای، گروه های جامعه مدنی و سایر اتباع افغانستان در ابراز عقاید و افکارشان مورد حمله قرار گرفته است. مقامات کشوری، مقامات حکومتی در ولایات، عناصر مخالف دولت و سایر قدرتمندان هریکی به نوبه خود بر آزادی بیان محدودیت وضع می کنند. پولیس و خرنوالان نتوانسته اند از آزادی بیان حمایت نمایند، چون آنها خود شان با اشخاص قدرتمند در تبنانی هستند. قوه قضائیه نه تنها نتوانسته است از آزادی بیان حمایت به عمل آورد، بلکه در مواردی این قوه نیز عاملی در راستای ایجاد محدودیت بر آزادی بیان بوده است. آزادی بیان غالباً به عنوان تهدیدی برای ساختار قدرت حاکم، امنیت ملی و یا ارزش های اسلامی جلوه داده شده است. جامعه سرکوب کننده و بسته افغانستان سانسور را در سراسر کشور عملی نموده و بحث و انتقادات را در گلو خفه نموده است.

51. تهدید، ارباب و حمله علیه روزنامه نگاران و سایر کسانی که ابراز عقایدشان خوشایند به نظر نمی رسد، ادامه دارد، همچنان کوشش ها برای خفه کردن گزارش ها در رابطه با فساد اداری و سایر قضایاییکه "حساسیت برانگیز" پنداشته می شود در جریان است. به عنوان مثال، در ماه می 2008 یک گوینده رادیو تلویزیون فقط به جرم اینکه گفته بود "آزادی بیان صرف در اوراق وجود دارد و نه در حقیقت"، توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ از وظیفه سبکدوش گردیده بود، اداره امنیت ملی یک ژورنالیست تلویزیون را به خاطر پخش یک برنامه که در آن دستاورد های حکومت رئیس جمهور را زیر سوال برده بود، دستگیر و محبوس ساخت. ژورنالیست مذکور بعداً به خاطر اینکه جانش در خطر بود، در خارج تقاضای پناهندگی نمود. ژورنالیستان زن نیز به طور خاصی هدف قرار می گیرند.

52. آزادی رسانه ها نیز در مناطق متأثر از زدوخوردهای مسلحانه مورد تهدید جدی قرار داشت و اختطاف و قتل ژورنالیستان ادامه یافت. در ماه جون سال 2008 یک خبرنگار افغان بی بی سی که در ولایت هلمند کار می کرد، اختطاف گردیده و به قتل رسید. هر چند طالبان مسئولیت این قتل را به عهده گرفتند، اما احتمال می رود که انگیزه این قتل به خاطر تحقیق در ارتباط با فساد اداری بوده باشد. قتل این خبرنگار باعث شد تا 10 روزنامه نگار دیگر نیز ولایت هلمند را ترک بگویند.

53. یکی از قضایای مهم این سال قضیه سید پرویز کامبخش یکی از محصلین ژورنالیست بود که به اتهام اهانت به اسلام در ماه جنوری 2008 به اعدام محکوم گردید. وی متهم بود که مقاله ای را از اینترنت پیاده نموده که در رابطه با جایگاه و حقوق زن از دیدگاه اسلام بحث می نموده و آن را با تبصره هایی که بر آن افزوده بود به دیگر دوستان محصل خود توزیع نموده بود. محکمه استیناف این حکم را در اکتوبر 2008 به بیست سال زندان تخفیف داد ولی محکومیت وی را تأیید نمود. علاوه بر شدید بودن این حکم، در شیوه برگزاری این محاکمه چه در محکمه ابتدایی و چه در استیناف بی قاعده گی هایی وجود دارد.

54. نگرانی هایی شدیدی وجود دارد که طی ماه هایی که به انتخابات سال 2009 منتهی می شود، رسانه ها همچنان به سانسور خود ادامه دهند. و یا این که بر آنها فشار وارد شود تا نظریاتی را پخش کنند که نمایندگی از دیدگاه سیاسی خاصی می نماید، و همچنین از این ناحیه که نامزدان انتخاباتی بخاطر تهدید، ارباب و حمله نتوانند نظریاتشان را آزادانه مطرح نمایند. موانع موجود فراراه رسانه ها و کوشش ها برای حفظ آزادی بیان مایه نگرانی عمیق است. مایه تأسف بیشتر این است که رسانه ها در افغانستان طی سال های اخیر در حال رشد و شکوفایی بوده است.

ب. انتخابات

انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات پارلمانی، و انتخابات شورا های ولایتی قرار است در سال 2009 برگزار گردد. برای آمادگی به برگزاری این انتخابات، برنامه مکمل سازی ثبت نام رای دهندگان از اکتوبر 2008 الی مارچ 2009 در سراسر کشور راه اندازی شد.

56. یکی از مواضع قابل نگرانی موضوع توانایی زنان در سهمگیری در زندگی سیاسی است، که شامل، نامزد شدن برای پست، حمایت از کاندید مورد نظر، و رأی دهی می گردد. در جریان پروسه ثبت نام رای دهندگان اغلب زنان نتوانسته اند که خود را ثبت نام نمایند و یا کارت های رای دهی شان را تجدید نمایند چون اکثر این مراکز ثبت نام فقط در مراکز ولسوالی ها فعال بودند. رسم و فرهنگ های رایج در اکثر مناطق محافظه کار و مناطق متأثر از زدوخوردهای مسلحانه، آزادی گشت و گذار برای زنان را سلب کرده است. در زمان رای دهی ممکن است این مشکلات از طریق تهیه تعداد بیشتری از مراکز، کاهش یابد، ولی با آنهم ممکن است تعداد زیادی از زنان به دلیل محدودیت های موجود بر گشت و گذار و به دلیل عدم آگاهی شان از حقوق خود، نتوانند در این پروسه سهم بگیرند. تعداد کافی کارمندان زن که مسئولیت آگاهی عامه و تعلیمات مدنی را به عهده بگیرند و مراکز رای دهی زنانه را مدیریت نمایند وجود ندارد. این که آیا زنان خواهند توانست به تعدادی قابل مقایسه با انتخابات سال 2005 خود را نامزد کنند، امری است که باید دیده شود. ناامنی روزافزون، و فشار های فرهنگی مذهبی تجدید شده ممکن است از شمار زنان علاقمند به سهمگیری بکاهد.

57. ناامنی روبه گسترش، و خصومت های مستقیم عناصر ضد حکومتی در قبایل پروسه انتخابات یک عامل نگران کننده دیگر است. در سپتامبر 2008 طالبان علناً گفتند که ایشان با پروسه انتخابات مخالف اند آنها مسئولیت حملات بر مراکز ثبت نام رای دهندگان و تخریب مواد مربوط به پروسه ثبت نام را طی مراحل ثبت نیز عهده دار شدند، و این بیم وجود دارد که نامزدان انتخاباتی، طرفداران ایشان، مراکز اخذ رای و کارمندان رای گیری توسط عناصر مخالفین مسلح هدف قرار گیرند. در جریان پروسه ثبت نام رای دهندگان بر اساس گزارش ها اکثر مراکز به دلیل ناامنی توان فعالیت را نداشتند.

58. به مسئله بازرسی نامزدان انتخاباتی، و رسیدگی به شکایات مربوط به روند انتخابات باید توجه دقیق مبذول گردد. از پروسه انتخابات گذشته باید درس هایی آموخته شود چون در آن پروسه بررسی ها در مورد نامزدان پاسخگوی توقعات مردم نبود، و میکانیزم شکایات با سلیلی از شکایات به ویژه در رابطه با تقلب و دستکاری ورق های رای دهی مواجه شد. یقینی ساختن تمامیت و استقلال در پروسه های بررسی نامزدان و رسیدگی به شکایات، برای ایجاد محیطی که برای استفاده از حق راهی دهی و اشتراک همه افغان ها تشویق کننده باشد، از اهمیت به سزایی برخوردار است.

۷. ظرفیت نهادی

الف. اجرای عدالت

59. در اوایل 2008، استراتژی ملی سکتور عدلی و پروگرام ملی عدلی راه اندازی شد. هردوی این برنامه ها شیوه های فراگیر و هماهنگ شده در راستای ساختار سکتور عدلی و بهتر نمودن اجرای عدالت را فرا می خواند. قانون جدید اصول محاکمات جزائی زیر تسوید است. اداره مبارزه با جرایم و مواد مخدر ملل متحد و برنامه حمایت از سکتور عدلی وزارت خارجه ایالات متحده امریکا ریاست گروپ تسوید این قانون را عهده دار اند که شامل مقامات کلیدی دولت افغانستان، و مسئولین سکتور عدلی نیز می باشد. در تسوید این قانون، بر مطابقت احکام این قانون با معیار های بین المللی حقوق بشر تاکید جدی صورت گرفته است. خلاء های زیاد موجود در چهارچوب قانونی فعلی مانند نبود حق حضور بلافاصله در پیشگاه محکمه تا قانونیت توقیف را مورد رسیدگی قرار دهد، از جمله مواردی است که در مسوده جدید به آن رسیدگی صورت می گیرد.

60. به هر حال این ابتکارات مثبت جدید تا کنون نتوانسته است واقعیت های موجود را به شکل قابل ملاحظه تغییر دهد. توقیف های خود سرانه تا هنوز ادامه دارد، معیار های محاکمه عادلانه و مهلت های قانونی هنوز هم مورد تخطی قرار می گیرند. علاوه بر این، سیستم عدلی و قضائی با کمبود منابع دچار است، و پرسونل آن از ظرفیت کافی برخوردار نیست. در سراسر کشور، و به ویژه در مناطق بیرون از شهر های بزرگ، تعداد کمی از وکلای مدافع وجود دارند. به همین منوال گفته می شود که قضات و خرنوال ها به تعداد کافی وجود ندارند. علی الرغم ابتکارات جدیدی که در سطح ولسوالی ها روی دست گرفته شده است، نبود همکاری کافی میان مقامات پولیس، سارنوالی ها، محاکم و مراکز توقیف همچنان اجرای عدالت را با مانع مواجه می سازد. شرایط بازداشت در مراکز توقیف به نحو قابل ملاحظه ای بهبود نیافته است، و با معیار های بین المللی مطابقت ندارد. سخن آخر اینکه افغانها تا جایکه به پروسه قضائی مربوط می شود، از حقوق شان نا آگاه هستند، و یا اگر آگاهی هم داشته باشند، به خاطر کمبود وکلای مدافع از تقاضای این حقوق عاجز اند.

61. بی اعتمادی موجود نسبت به توانایی نظام رسمی قضایی در قسمت فراهم کردن عدالت بصورت منصفانه و مستقلانه به این معنی است که نظام رسمی در حل منازعات نزد افغان ها قابل اعتبار نمی باشد. در نتیجه، میکانیزم های غیر رسمی و سنتی از میزان بالاتر اعتماد در جامعه برخوردار اند. نگرانی های در مورد توانایی این میکانیزم ها در قسمت فراهم کردن عدالت به شکل مناسب، و به ویژه در قسمت حمایت مساویانه از حقوق زنان، اطفال و گروه های منزوی وجود دارد.

62. نا امنی توسعه سیستم رسمی عدالت را بیشتر به مانع مواجه ساخته است. نهاد های رسمی عدالت در نتیجه حملات پیهم عناصر ضد حکومت در مناطق متأثر از جنگ بصورت فزاینده غیر قابل دسترس و غیر فعال شده اند. در نتیجه، براساس گزارش ها، در بعضی ولسوالی های دور افتاده که نهاد های رسمی عدلی دیگر وجود ندارد، طالبان تقویت گردیده و موازی به سیستم های عدلی پیش می روند.

63. مجازات اعدام هنوز هم در افغانستان تطبیق و مورد اجراء گذاشته می شود. در نومبر سال 2008، بعد از بررسی توسط یک کمیسیون ویژه و تصویب رئیس جمهور، 16 نفر مرد اعدام شدند. تعداد زیاد افغان ها، به شمول چهره های مشهور مردمی، مجازات اعدام را قویا حمایت می کنند و بدین باور اند

که اقدام ها در مواجهه با رشد جرایم یک بازدارنده است. با توجه به این نگرانی بزرگ که تنفیذ قانون و سیستم های عدلی فاقد معیار های جهانی است، من به رئیس جمهور پیشنهاد می کنم تا اقدام ها را متوقف ساخته و دوباره به اجماع جهانی برای مهلت قانونی مجازات اعدام بپیوندد.

ب. نهاد ملی حقوق بشر

64. یک اعلامیه ای اصول میان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و تعداد از نهاد های ملل متحد، به شمول یوناما، دفتر کمیساری عالی حقوق بشر، کمیساری پناهندگان ملل متحد، صندوق وجهی اطفال ملل متحد و صندوق وجهی زنان ملل متحد در اپریل 2008 به امضاء رسید. هدف اصلی اعلامیه این است که ظرفیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از طریق حمایت هماهنگ شده ملل متحد بیشتر تقویت گردد. از طریق کار نزدیک و در تباری باهم، توقع می رود که یک سیستم مؤثر حمایت از حقوق بشر مبنی بر توانایی های ملی در افغانستان انکشاف یابد.

65. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان موقف بلند پایه را توسط کمیته هماهنگی بین المللی نهاد های ملی برای ترویج و حمایت حقوق بشر حفظ کرده است. نگرانی های قبلی که توسط کمیته فرعی هماهنگی بین المللی اظهار گردیده بود، به شمول حمایت و دریافت پولی نا کافی و نا منظم کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از حکومت و همچنان پروسه تعیین و تقرر اعضای کمیسیون که باید بیانگر کثرت گرایی و استقلال این نهاد باشد، هنوز هم به حال خود باقی است.

هشتم: هماهنگی تخنیکی

66. به عنوان بخش از حمایت از استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، تیم ملل متحد به سطح کشور آمادگی اجرای مقدماتی چارچوب همکاری انکشافی ملل متحد 2010-2013 را در جولای 2008، یک ماه بعد از راه اندازی استراتیژی انکشاف ملی افغانستان آغاز کرد که به عنوان ارزیابی عمومی ملل متحد برای کشور کار خواهد کرد. مسوده کامل چارچوب همکاری انکشافی ملل متحد سه ساحه دارای اولویت برای ملل متحد در افغانستان را تشخیص کرد: حمایت از حکومتداری خوب، صلح و ثبات؛ معیشت پایدار برای زنان و مردان -زراعت، امنیت غذایی و تولید درآمد؛ و خدمات اولیه اجتماعی - تعلیم و تربیه و صحت. در تمام پروسه چارچوب همکاری انکشافی ملل متحد، دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر همکاران را در تطبیق HRBA در انکشاف اجتماعی و اقتصادی کمک می کند.

67. به تعقیب برنامه سازی های موفق رسانه یی پروژه مشترک دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر و برنامه انکشافی ملل متحد در رابطه به پروگرام اقدام ملی برای معیوبیت که در سال 2007 به پایان رسید،

دفتر من برای ادامه به پروژه برنامه سازی رسانه یی و توسعه بیشتر آن به سطح برنامه های تلویزیونی و نشر آن در بیشتر ولایات دوردست افغانستان، به موسسه معیوبین کمک کرد. برعلاوه، اوایل سال 2008 شاهد تکمیل پروژه ها توسط سه موسسه معیوبین بود که براساس مرحله پنجم پروژه مجتمعات همکار توسط دفتر کمیساری عالی حقوق بشر و پروگرام انکشافی ملل متحد تاسیس گردید.

68. جهت فراهم نمودن زمینه مشوره وسیع با تمام همکاران مربوطه حکومت و جامعه مدنی برای تهیه گزارش حکومت براساس مرور جهانی دوره بی شورای حقوق بشر که برای فبروری 2009 تعیین شده است، حکومت یک کمیته نظارت را ایجاد کرده است.

نهم: خلاصه

69. در طول سال 2008، تلاش ها برای انتقال جامعه افغانی در نتیجه حاد شدن منازعات مسلحانه، بی قانونی در حال رشد، سوء استفاده وسیع از قدرت، خشونت علیه زنان و منزوی سازی پیوسته آنها و تحت فشار قرار گرفتن آزادی بیان بصورت جدی زیر سوال قرار گرفت. با فقدان اراده سیاسی برای بررسی عمیق مشکلات، این جریانات نگران کننده بدتر شده است. معافیت هنوز هم رایج است. ساختار های ناسالم جامعه و آزادی عمل که به معامله گران سنتی داده شده است دورنمای تحقق حقوق بشر، به ویژه برای گروه های آسیب پذیر را بیشتر محدود می سازد.

70. بصورت وسیع پذیرفته شده است که تنها از راه های نظامی نمی توان بر این منازعه فایق آمد. اما پیگیری یک استراتژی یکپارچه ملکی برای تامین صلح و امنیت درازمدت در افغانستان و گشودن راه بسوی انکشاف باید نتایج اساسی خود را بجا بگذارد. باید به چالش های حقوق بشر که در این گزارش تشخیص شده اند به سرعت و به شکل منظم و جامع رسیدگی صورت بگیرد. ارایه خدمات اساسی از اهمیت حسابدهی آنهاست که در مقام قدرت حقوق بشر را نقض می کنند، نمی تواند جدا باشد؛ همچنانیکه تبعیض عمیق در برابر زنان، دختران و اقلیت ها و منزوی سازی آنها را نمی توان از کاهش سطح خطرناک فقر جدا کرد. تلاش های بیشتر برای تقویت ظرفیت نهاد های ملی باید صورت بگیرد تا بصورت مؤثر مکلفیت های حقوق بشری خود را اجراء بکنند. در نهایت، این مسؤلیت حکومت افغانستان است، اما جامعه جهانی در رابطه به افغانستان دارای مسؤلیت ویژه برای همکاری با حکومت افغانستان است تا تعهدات اش را انجام داده و فعالین جامعه مدنی را حمایت کند.

دهم: پیشنهادات

71. کمیشنر عالی پیشنهاد می کند:

a. باید تلاش های بیشتر برای یکپارچه سازی دورنمای حقوق بشر در مرحله تطبیق محور فقر و انکشاف استراتژی ها، به سطح مرکز و ولایات، با توجه خاص به اوضاع گروه های که به تبعیض مداوم مواجه اند، صورت بگیرد. تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان باید با مکلفیت های ملی و بین المللی حکومت افغانستان در قسمت حقوق بشر سازگار بوده و براساس آن شکل بگیرد. به این مکلفیت ها باید در جریان فعالیت های آماده سازی و نظارت و ارزیابی استراتژی انکشاف ملی افغانستان به صراحت اشاره گردد. بر طبق آن، سهم بودجه مورد نیاز باید تخصیص داده شود و بدین وسیله اطمینان حاصل گردد که به گروه های منزوی قربانی اعمال تبعیض آمیز اولویت داده شده است. وسایل جمع آوری و تحلیل معلومات برای سنجش پیشرفت در قسمت کاهش فقر گروه های آسیب پذیر در برابر تعصب باید دربرگیرنده معیار ها برای تامین سهمگیری در پروسه های که بظاهر برای منفعت آنها طرح شده است، باشد. حکومت افغانستان، با حمایت جامعه جهانی، باید از تاسیس سریع بخش پیشنهادی حقوق بشر در وزارت عدلیه اطمینان بدهد تا این تلاش ها هماهنگ شده و منابع کافی را برای مطمئن شدن از پایداری درازمدت آن تخصیص بدهد؛

b. نیرو های طرفدار دولت و عناصر مخالف آن باید به حفاظت مردم ملکی، به شمول زنان و اطفال، احترام بیشتر داشته باشند. تحقیقات و پیگرد عدلی، در جائیکه مناسب باشد، باید به سرعت و مستقلانه اجراء شود. نیرو های امنیتی ملی و بین المللی باید تلاش های خود برای ایجاد سیستم های منسجم و شفاف حسابدگی، به شمول احترام به بازداشت های مربوط به منازعه را انجام بدهند. تلاش ها برای ترغیب شورشیان صورت بگیرد تا حملات علیه اهداف ملکی را متوقف ساخته و مجتمعات بشردوستانه را قادر بسازد تا فضای جدی بشردوستانه را دوباره ایجاد و از آن حفاظت کنند؛

c. حکومت افغانستان باید بصورت فعالانه از پلان ملی عمل برای زنان در افغانستان و استراتژی فراگیر تساوی جنسیت استراتژی انکشاف ملی افغانستان حمایت کرده و آن را ترویج دهد و همچنان اطمینان حاصل کند که اینها شامل فعالیت های حکومت شده اند. اقدامات موجود در قسمت اصلاحات حقوقی باید معیار های جهانی را شامل سازد تا حمایت بیشتر به زنان و دختران در برابر تمام انواع خشونت، در حوزه خصوصی و عامه، را فراهم کرده و به سرعت به پالیسی ها و برنامه های اساسی تبدیل گردند. در انتخابات آینده باید اقدامات خاص برای تامین اشتراک کامل زنان به شکل سالم و محترمانه آن روی دست گرفته شود؛

d. حکومت افغانستان و همکاران بین المللی آن باید برای رسیدگی به معافیت به عنوان یک اولویت از خود تعهد نشان بدهند. تقویت حاکمیت قانون و تامین عدالت برای هر جامعه دموکراتیک یک شرط کلیدی است. همچنان این کمک می کند تا اعتماد مردم افغانستان

نسبت به ادارات دولتی بیشتر گردد. استقلال و بی طرفی مقامات تطبیق کننده قانون و قضاء باید تضمین گردد و منابع لازم در دسترس شان قرار داده شود تا بصورت درست و مسلکی عدالت را تامین کنند. حکومت و جامعه جهانی باید از جامعه مدنی، به ویژه در قسمت تلاش ها برای اثبات حقایق گذشته، بشمول تحقیقات طب عدلی گور های دسته جمعی و ترویج مصالحه حمایت کند. این ها باید یکبار دیگر به پروسه عدالت انتقالی متعهد شده و تاکید خاص بر همکاری و تقویت نهاد های حکومتی، به ویژه از طریق اصلاح موسساتی و طرز العمل های تعینات منصفانه و شفاف صورت گیرد؛

e. حکومت افغانستان و جامعه جهانی باید جامعه مدنی، حضور زنان در پست های دولتی و رسانه ها را تقویت و از آنها به عنوان اجزای حیاتی اعمار نهاد های دموکراتیک حمایت کنند. تامین یکپارچگی و استقلال پروسه های انتخابات در آینده، به شمول ارزیابی کاندید ها در این قسمت از اهمیت خاص برخوردار است. این برای افغان ها در ایجاد یک محیط مناسب جهت استفاده آزادانه از حقوق شان برای دریافت و ابلاغ معلومات سیاسی و معلومات دیگر و اشتراک در انتخابات کمک خواهد کرد؛

f. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان باید به ایفای نقش حساس خود در قسمت نظارت، ترویج و حمایت از حقوق بشر با حمایت جامعه جهانی ادامه بدهد. طوریکه توسط کمیته بین المللی هماهنگی نهاد های ملی حقوق بشر اشاره شده است، حکومت افغانستان باید بودجه حد اقل را در بودجه ملی خود برای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تخصیص بدهد و مطمئن بسازد که با ایجاد قوانین از استقلال آن حمایت می کنند؛

g. از حکومت افغانستان قویاً خواسته می شود تا در مهلت قانونی مجازات اعدام را با توجه به نواقص در نظام قانون در کشور دوباره گماشته و با جمع کشور های در حال رشد بپیوندد که در سرتاسر جهان تصمیم تعلیق سزای مرگ را برگزیده اند.
